نشریه علمی روانشناسی فرهنگی
(Cultural Psychology)

روان‌شناسی فرهنگی

دوفصلنامهٔ علمی، پژوهشکدهٔ تحقیق و توسعهٔ علوم انسانی (سمت)
دورهٔ ۹، شمارهٔ ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۴
شاپا چاپی: ۷۲۱۱-۲۵۸۸
شاپا الکترونیکی: ۶۳۸۸ ـ ۲۶۷۶

مقابلهٔ معنوی و چالش وجودی در مادران دارای فرزند اتیسم: درکی کیفی از جهان‌بینی پذیرش بالا

ابتسام محمدی مزرعی[۱]، یاسر رضاپور میرصالح[۲] ✉، حمیدرضا آریانپور[۳]، فاطمه دافعیان[۴]

۱. کارشناسی ارشد، روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران.
۲. دانشیار، گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران. نویسنده مسئول: y.rezapour@ardakan.ac.ir
۳. استادیار، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران.
۴. دانشجوی دکتری، گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران.

اطلاعات مقاله

تاریخ‌ها:
دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۷
پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۸

واژگان کلیدی:
اتیسم
پذیرش و تعهد
جهان‌بینی
وجودگرایی

چکیده

اتیسم یکی از فراگیرترین اختلال‌های رشدی-عصبی است که می‌تواند آثار مخربی را بر روی بیماران و مراقبین آن‌ها ایجاد کند. زمانی که فرزندی با این اختلال شناسایی می‌شود، عوارض و آسیب‌های بی‌شماری بر مراقبین به ویژه مادر آن‌ها برجای خواهد گذاشت و پذیرش فرزند را با مشکل مواجه خواهد کرد. در این میان مادرانی هستند که فرزند خود را با چنین شرایط دشواری پذیرفته‌اند و تعهد خود نسبت به آن‌ها را حفظ کرده‌اند. طرح پژوهشی حاضر، کیفی از نوع پدیدارشناسی، با روش تحلیل مضمون است. به همین منظور هدف از پژوهش حاضر، بررسی کیفی جهان بینی در مادران دارای فرزند اتیسم برخوردار از پذیرش بالا بود. برای جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه نیمه ساختار یافته بر روی ۹ نفر از مادران دارای فرزند اتیسم استفاده شد. این مادران به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و نمونه‌گیری تا جایی ادامه پیدا کرد که پاسخ‌های آن‌ها به اصطلاح به حالت اشباع رسید. یافته‌ها نشان داد که جهان بینی در مادران شرکت کننده در پژوهش شامل سه بعد دنیای متناهی، زندگی نامتناهی و اضطراب مرگ می‌باشد. افراد با نوع جهان‌بینی خود با مفاهیمی نظیر ترس از آینده، گذرا بودن دنیا و آماده شدن برای مرگ رو به رو شده و بر نگرش مادران کودکان اتیسم در نحوه پذیرش کودکانشان اثرگذار می‌گذارد.

استناد: محمدی مزرعی، ابتسام، رضاپور میرصالح، یاسر، آریانپور، حمیدرضا، دافعیان، فاطمه (۱۴۰۴). مقابلهٔ معنوی و چالش وجودی در مادران دارای فرزند اتیسم: درکی کیفی از جهان‌بینی پذیرش بالا. *روان‌شناسی فرهنگی*، ۹(۱). ۱۴۷ـ۱۶۴.
https://doi.org/10.30487/jcp.2026.460570.1691

۱۴۰۴/۲۰۲۵ نویسنده(گان). این مقاله یک اثر دسترسی آزاد است که تحت مجوز CC BY 4.0 منتشر شده است. استناد و انتشار مجدد این اثر با ذکر منبع درست مجاز است. منتشرشده توسط نشریه روان‌شناسی فرهنگی (سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم انسانی (سمت)).

Cultural Psychology

Vol. 9, Issue 1
Spring & Summer 2025
Print ISSN: 2676-6388
Online ISSN: 2676-6388

نشریه علمی روانشناسی فرهنگی
(Cultural Psychology)

Spiritual and Challenging Coping in Mothers of Autistic Children: A Qualitative Understanding of a High Acceptance Worldview

Ebtesam Mohammadi Mazraei [1], Yasser Rezapour Mirsaleh [2]✉, Hamidreza Aryanpour [3], Fatemeh Dafeian [4]

1. M.A. in Psychology, Department of Psychology, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Ardakan, Ardakan, Iran.
2. Associate Professor, Department of Counseling, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Ardakan, Ardakan, Iran. Corresponding author: y.rezapour@ardakan.ac.ir
3. Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Ardakan, Ardakan, Iran.
4. Ph.D. Candidate, Department of Psychology, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Ardakan, Ardakan, Iran.

Article Info

History
Received: April 06, 2025
Accepted: August 30, 2025

Keywords
Autism
Acceptance and Commitment
Worldview
Existentialism

Abstract

Autism is one of the most pervasive neurodevelopmental disorders, significantly impacting both patients and their caregivers. When a child is diagnosed with autism, it can lead to numerous challenges and emotional struggles for caregivers, particularly mothers, making it difficult to accept the child's condition. However, some mothers manage to accept their children with these challenging conditions and remain committed to their care. This research is a qualitative phenomenological study using thematic analysis to investigate the worldview of mothers who exhibit high acceptance of their autistic children. Data was collected through semi-structured interviews with nine mothers of autistic children. These mothers were selected through purposeful sampling, and the sampling continued until the responses reached saturation. The findings revealed that the worldview of the participating mothers encompasses three dimensions: a finite world, infinite life, and death anxiety. This type of worldview involves grappling with concepts such as fear of the future, the transience of life, and preparation for death. These factors significantly influence how these mothers accept and adapt to their children's condition.

Citation: Mohammadi Mazraei, E., Rezapour Mirsaleh, Y., Aryanpour, H., & Dafeian, F. (2025). Spiritual and Challenging Coping in Mothers of Autistic Children: A Qualitative Understanding of a High Acceptance Worldview. *Cultural Psychology*, *9*(1), 147-164.
https://doi.org/10.30487/jcp.2026.460570.1691

2025 The Author(s). This is an Open Access article distributed under CC BY 4.0. Reuse and distribution are permitted with proper citation. Published by Cultural Psychology (Organization for Researching and Composing University Textbooks in the Humanities (SAMT)).

مقدمه

اختلال طیف اتیسم، اختلال عصبی‌رشدی است که دارای ویژگی‌های مشخصی چون نقص در ارتباطات اجتماعی و رفتارهای محدود و تکراری است (Okay et al. 2021). علائم اختلال طیف اتیسم در سال‌های اولیهٔ رشد و قبل از سه‌سالگی شناسایی می‌شود (Hassen et al. 2020). شدت این نشانگان می‌تواند از خفیف که در آن فرد توانمندی هوشی بالایی دارد تا شدید که در آن عقب‌ماندگی ذهنی و فقدان گفتار رخ می‌دهد، متفاوت باشد (Xiao et al. 2020). کودکان مبتلا به این اختلال اغلب علاقهٔ شدید و منحصر به فردی نسبت به طیف محدودی از فعالیت‌ها نشان می‌دهند؛ در مقابل تغییر مقاومت می‌کنند؛ و حساسیت پاسخ‌دهی مناسبی نسبت به محیط اجتماعی نشان نمی‌دهند (Holden et al. 2020). اختلالات طیف اتیسم دربرگیرندهٔ هم‌پاشیدگی‌هایی است که از سال‌های نخستین زندگی تا حداکثر شش‌سالگی بروز می‌کند و با تخریب پایدار در تعامل اجتماعی متقابل، انحراف ارتباطی و الگوهای رفتاری کلیشه‌ای محدود، مشخص می‌شود (Chung & Woo Son, 2020).

خانواده محیطی است که رفتارهای اعضای خانواده بر یکدیگر تأثیر دارد، به دنیا آوردن فرزند، به خودی خود تغییراتی در ساختار خانواده ایجاد می‌کند و مسئولیت‌های جدیدی با خود به همراه می‌آورد و تولد کودک با اختلال اتیسم می‌تواند تمام جنبه‌های کارکردی خانواده را متأثر کند (Jassim, Baron-Cohen, Suckling, 2021). والدین کودکان اتیسم با چالش‌های فراوانی مواجه هستند که این امر آن‌ها را در معرض تنش‌ها و ویژگی‌های روانشناختی منفی زیادی قرار می‌دهد. والدین کودکان اتیسم از هنگامی که متوجه مشکل فرزند خود می‌شوند، واکنش‌های متعددی را از خود نشان می‌دهند که از ناامیدی و انکار گرفته تا مواجههٔ منطقی با مسئله و تصمیم گرفتن به کمک و یاری رساندن به فرزندشان را شامل می‌شود (Park et al. 2021). اختلال طیف اتیسم در کودکان، معمولاً واکنش‌هایی از قبیل اضطراب، سردرگمی و نگرانی برای مادران به همراه دارد، این موضوع مدت‌ها مادران را در حالت ناامیدی، درماندگی و بلاتکلیفی قرار خواهد داد (Sato et al. 2022).

پذیرش یک راهبرد مقابله‌ای مؤثر برای مادران دارای فرزن اتیسم به شمار می‌رود (Caletti et al. 2022). پذیرش شرایط موجود و کنار آمدن با آن نقش مهمی در افزایش سلامت روان این والدین دارد. درواقع، پذیرش در ACT، این‌گونه تعریف می‌شود: «دریافتن یک رویداد یا موقعیت و ترک و رها کردن برنامه کنترل نشانه‌های ناکارآمد و یک فرآیند فعال احساس کردن احساسات به عنوان احساسات، فکر کردن به افکار به عنوان افکار و ...» (Graaf et al. 2021). در پذیرش به طور مستقیم قوانینی که فرد، مشکل را نمی‌تواند تجربه کند و مراحلی که باید آن را کاهش دهد را پیگیری می‌کند (Rickardsson et al. 2021). پذیرش هنگامی رخ می‌دهد که هیجانات در احاطهٔ آگاهی بوده و همان گونه که هستند تجربه می‌شوند، بدون آنکه تلاش برای تغییر فراوانی یا شکل آنها صورت پذیرد (Zhao et al. 2020). در درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد سودمندی و کارکرد تجربیات روانشناختی مانند افکار، احساسات، خاطرات و عواطف روان‌شناختی را مورد هدف قرار می‌گیرد و فعالیت‌های معنادار زندگی بدون توجه به آن‌ها دنبال می‌شود. در واقع فرد آنچه خارج از کنترل شخصی‌اش است را بپذیرد و به عملی که زندگی‌اش را غنی می‌سازد، متعهد باشد (Xu, O'Brien & Chen, 2020).

نکته مهمی که حائز اهمیت است بررسی عوامل اصلی در ایجاد پذیرش و تعهد می‌باشد. به چه دلیل فردی از پذیرش و تعهد بیشتری نسبت به فرد دیگر برخوردار است؟ چه چیزی موجب پذیرش و تعهد افراد در مقابل وقایع تلخ زندگی می‌شود؟ پذیرش و تعهد از کجا نشأت می‌گیرد؟ یکی از عواملی که مستقیماً در پذیرش یک حادثه در زندگی نقش دارد، نوع نگاه فرد به زندگی یا همان جهان‌بینی او است. جهان بینی نگرش کلی انسان به هستی و خویش است که پاسخگوی سؤال‌های اساسی وی نیز هست؛ این پرسش‌ها شامل جهان و چگونگی پدید آمدن آن تا جایگاه موجودات و چگونگی هست شدن آن‌ها و به ویژه نگاه به انسان و جایگاه او در هستی، تا تشریح جهان بعد از مرگ و در نهایت نگاه به پایان هستی است (افکاری، ۱۳۹۹).

هر فرد در ذهن خود مجموعه ساخت‌های پنهانی دارد که به صورت منظم و مشخص در باورها، ارزش‌ها، آگاهی‌ها، سنت‌ها و عادات طبقه بندی شده‌اند. به طور کلی زیرمجموعه‌های فکری که مربوط به یک اندیشه است، جهان‌بینی افراد را نشان می‌دهد (Kourti, 2021)؛ برای مثال، مفهوم جهان‌بینی در فلسفه در پی آن است که آیا جهان پدیده‌ای تصادفی است یا نظام علیت بر آن حاکم است، و اگر اینگونه است از چه نوع قوانین پیروی می‌کند؟ آیا جهان هدفی دارد؟ آیا جهان متناهی است یا نامتناهی؟ اگر بلی، انسان در جهان‌بین خود با زندگی پس از مرگ چه مواجه‌ای دارد؟ (افکاری، ۱۳۹۹).

می‌توان گفت پذیرش، هسته مرکزی درمان اکت است و زمینه دستیابی به یک زندگی مطلوب، مسلتزم شناسایی دقیق جنه‌های قابل تغییر و غیرقابل تغییر زندگی هستی‌شناختی افراد است. هنگامی که فرد از تلاش بی‌ثمر برای مبارزه یا فرار از جنبه‌های نامطلوب و اجتناب‌ناپذیر زندگی دست برمی‌دارد، مسیر برای ایجاد تغییر بنیادی در امور قابل تغییر هموار می‌گردد و این نگرش، همسویی عمیقی با جهان‌بینی فرد و دیدگاه اسلام دارد (احمدیان و طهرانچی، ۱۴۰۴). همچنین می‌توان گفت در منظومه فرکری اسلام، رنج‌ها و سختی‌ها بسته به عوامل مختلف، دارای فلسفه ودلیل وجودی خاصی هستند. دسته‌ای از زنج‌ها، پیامد مستقیم اشتباهات و تصمیمات نادرست انسان است که با اصلاح رفتار، قابل رفع می‌باشند. دسته‌ای دیگر از مصائب، به عنوان کفارهٔ گناهان عمل می‌کنند و آثار معنوی مفنی انها را از روح و روان انسان می‌زداید (محدثی، ۱۳۸۸). پذیرش نیز در دیدگاه اکت، به منظور غلبه بر محدودیت‌های وجودی افراد تعریف شده و با هدف افزایش انعطاف‌پذیری روانشناختی ایجاد می‌گردد (Wilms, 2016). اما با توجه به اهمیت مضامین وجودی در ارتقای مفهوم پذیرش در مادران کودکان اتیسم، این درمان با درک رنج به عنوان بخشی از وجود انسان، جهان‌بینی مادر را در پذیرش رنج‌ها تغییر داد می‌دهد، چراکه یکی از مفاهیم اصلی درمان اکت، شناسایی ارزش‌ها به عنوان جهان‌بینی است. ارزش‌هایی که به‌صورت آگاهانه و هدفمند از سوی فرد انتخاب می‌شوند، از ثبات نسبی در جهان‌بینی او برخوردار بوده و زمانی که فرد مطابق با ارزش‌های خود عمل می‌کند، می‌تواند توانمندی خود را در برابر حل مشکلات نیز ارتقا دهد (Hayes et al. 2006).

جهان‌بینی بشر در دوران طفولیت، آغاز می‌شود و هر روزی چیزی با آرایش به آن افزوده می‌شود یا به پیرایش از آن کاسته می‌شود و الهام‌بخش رفتارهای فردی، اجتماعی، افکار، اندیشه‌ها و آرزوهای او می‌شود. اگر انسان و خدا را در مجموعه جهان مندرج بدانیم، یک جهان‌بینی کامل و همه‌گیر، عبارت است از شناختی از: خود، طبیعت و خدا (سید قطب، ۱۳۶۹). تحقیقات به نوع جهان‌بینی والدین کودکان اتیسم در مواجه با مسائل این کودکان پرداخته است. جهان بینی بر اساس شناخت و برداشتی که از جهان هستی برای فرد فراهم می‌کند، برنامه‌ای متناسب با شرایط فرد و عوامل دخیل در آن شرایط می‌آورند که مسیر زندگی آنان را برای رسیدن به هدف هموار می‌کند و مسیر مشخصی در برابر انسان قرار می‌دهد تا با کمک استدلال‌ها و اندیشه‌هایی که این جهان‌بینی را کسب کرده، راه را آهسته و پیوسته تا رسیدن به خوش‌بختی بپیماید (Prior & Renaud, 2020). نوع جهان‌بینی افراد تأثیراتی بر نحوه ادراک آن‌ها از سختی و خوشی دارد که عبارتند از:۱. صرفاً به مسائل نگاهی شناختی نداشته باشد، بلکه به مسائل با دیدی زیبایی شناختی یعنی آمیخته بودن هر مسئله به خوشایندی/ ناخوشایندی نگاه کنند، ۲. ماهیت دوگانه به مسائل داشته باشند یعنی ادراکات حسی-خیالی شامل تصاویر، خاطرات و معنایی در قالب تصاویر چندبعدی داشته باشند تا بتوانند ابعاد دیگر یک مسئله را نیز نظاره کنند و ۳. به آثار مادی و اخروی ولی معنادار همراه با آن رویداد توجه داشته باشند. به همین دلیل است که نوع جهان بینی بر ادراکات آن‌ها اثر داشته و ادراکات افراد معمولا در رفتار، بدن و روابط بین فردی و حتی تولیدات مصنوعی به نحوی معناداری ظهور و بروز پیدا می‌کند (علم‌الهدی، ۱۳۹۹).

با وجود اهمیت و ضرورت پذیرش فرزند و شناسایی چگونگی پذیرش در زندگی مادرانکودکان مبتلا به اتیسم، تاکنون پژوهش‌های بسیار محدودی عوامل مؤثر بر پذیرش فرزند از سوی مادران را بررسی کرده‌اند. بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه به صورت کمی اثربخشی مداخلات مرسوم پذیرش و تعهد را بررسی کرده‌اند، در حالی که پذیرش و تعهد در این مادران ممکن است نسبت به افراد دیگر متفاوت باشد. از طرفی دیگر، مطالعات کمی از بررسی

عمیق این پدیده ناتوان هستند و مطالعات کیفی می‌توانند این فرایند را به شکل بهتری بررسی کنند؛ بنابراین این پژوهش با هدف بررسی کیفی جهان‌بینی در مادران دارای فرزند اتیسم برخوردار از پذیرش بالا، انجام شده است.

روش

هدف از پژوهش حاضر، مقابله معنوی و چالش وجودی در مادران دارای فرزند اتیسم با درکی کیفی از جهان‌بینی پذیرش بالا بود. روش پژوهش کیفی و از نوع پدیدارشناسی توصیفی با کمک روش هفت مرحله‌ای کلایزی بود. مرکز پژوهش بر روی مادران دارای کودک اتیسم بود که با استفاده از شیوه نمونه‌گیری هدفمند و برآورده ساختن ملاک‌های ورود یعنی بالا بودن سطح پذیرش بر اساس میانگین مقیاس پذیرش و عمل (Bond et al. 2011) (نمره بیشتر از ۳۵) و حداقل سطح تحصیلات دیپلم و همچنین ملاک‌های خروج یعنی داشتن سابقه بیماری روان‌شناختی-جسمانی خاص و داشتن بیش از ۱ فرزند دارای اتیسم، انتخاب شدند. سطح تحصیلات به این دلیل حداقل دیپلم در نظر گرفته شد که اطمینان حاصل کنیم مادران برای پاسخگویی به سؤالات درک مناسبی دارند. تعداد شرکت کنندگان از قبل مشخص نبود و ملاک انتخاب تعداد افراد نمونه نیز به دست آمدن حداکثر محتوای کیفی یا به اصطلاح به اشباع رسیدن مصاحبه‌ها بود. یعنی حالتی که پژوهشگر تشخیص می‌دهد با ادامهٔ مصاحبه قرار نیست به بار اطلاعات موجود اضافه شود و گردآوری داده‌های جدید نمی‌تواند اطلاعات تازه‌تری جهت تدوین مقوله‌ها به دست دهد (بازرگان، ۱۳۹۸). جهت محفوظ ماندن مشخصات آزمودنی‌ها، از کد استفاده شد. مطالعات پدیدارشناسی با هدف کاوش پدیده‌ها بوده و مقاومت یا گشودگی پاسخ‌دهندگان تأثیری در کشف پدیده‌ها ندارد و مصاحبه‌ها تا زمانی که به حد اشباع برسد و پدیده جدیدی کشف نشود ادامه می‌یابد. پژوهش حاضر نیز با تعداد ۹ شرکت کننده، مصاحبه به اشباع رسید. براساس شیوه کدگذاری هفت مرحله‌ای کلایزی (Colaizzi's Seven-Step)، داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه، از طریق کدگذاری[1] مورد تحلیل قرار گرفتند. کدگذاری فرایندی پویا و سیال و یکی از مهم‌ترین روش‌های تحلیل داده‌های کیفی است که در طی آن از بین انبوه اطلاعات جمع‌آوری شده، با توجه به‌موضوع پژوهش، مرتبط‌ترین و مهم‌ترین مطالب و جملات، استخراج و مفهوم‌گذاری شده و به‌صورت کد یا رمز ذخیره می‌شوند (Strauss & Corbin, 1990). همچنین جهت اعتبارسنجی کدگذاری پژوهش حاضر، رونوشت مصاحبه و گزارش پژوهش توسط شرکت‌کنندگان جهت سنجش موافقت یا مخالفت آن‌ها با یافته‌های پژوهش چک شد و سؤالات پژوهش و محتوای استخراج شده از مصاحبه‌ها توسط متخصصان آگاه در حوزه پژوهش مورد نظر (۲ روانشناس بالینی، ۳ متخصص روانشناسی کودکان با نیاز خاص، ۲ متخصص پژوهش کیفی و ۱ متخصص گروه معارف و ادیان) مورد بازنگری و ارزیابی قرار گرفت که به نحوی قابلیت اعتبار پژوهش را به عنوان جایگزینی برای مفهوم روایی درونی نشان می‌دهد. هم‌چنین پژوهشگر با مشورت اساتید آگاه به بازبینی مجدد فرایند دنبال شده و بررسی صحت و قابل فهم بودن آن پرداخت که به نحوی قابلیت اطمینان پژوهش را به عنوان جایگزینی برای مفهوم پایایی نشان می‌دهد.

جمع‌آوری داده‌ها

برای جمع‌آوری داده‌ها و تعیین جهان‌بینی در مادران فرزند اتیسم با پذیرش بالا، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته به مدت ۴۵ دقیقه برای هر یک از شرکت کنندگان انجام شد. باید بیان نمود به‌دلیل افزایش دقت پژوهش در انجام مصاحبه‌ها، مصاحبه شوندگان به کلینیک توانبخشی اتیسم شهرستان آبادان دعوت شده و پس از کسب رضایت کتبی از آن‌ها، مصاحبه‌ها به صورت حضوری در فضای امن اتاق درمانی انجام گرفت. همچنین با کسب رضایت از آن‌ها محتوای گفتگو ضبط گردید تا بتوان بعد از انجام مصاحبه‌ها، از محتوای ضبط شده به منظور تکمیل اطلاعات، جهت استخراج کدها، مفاهیم و مؤلفه‌ها استفاده نمود. با در نظر گرفتن هدف کلی پژوهش و ابعاد مختلف جهان‌بینی، سؤالاتی طراحی شدند که دربرگیرنده جنبه‌های مختلف جهان‌بینی بودند

1. Coding

و با جمع‌بندی نظرات کارشناس آگاه به موضوع، برای اطمینان از روایی محتوایی ۱۲ سؤال برای انجام مصاحبه انتخاب شد. مصاحبه با سؤالاتی همچون «آیا فرزند خود را با این شرایط پذیرفته‌اید؟، پذیرش و تعهد از نظر شما چیست؟ و چه عواملی باعث پذیرش و تعهد شما نسبت به فرزند بیمارتان شده است؟» برای ارزیابی و درک پذیرش و تعهد مادران آغاز شد و با سؤالات بعدی دربارهٔ جهان‌بینی مادران مانند «نگرش شما به زندگی چگونه است؟، آیا جهان هدفی دارد؟، از چه نوع قوانینی پیروی می کند؟، به نظر شما دنیا متناهی است یا نامتناهی؟» ادامه یافت. مطالعهٔ پایلوت بر روی ۳ نفر انجام گرفت و با بازخوردهای آن‌ها برخی سؤالات بازبینی شدند. سؤالات به طور مستقیم و غیرمستقیم ابعاد جهان‌بینی مادران را مورد بررسی قرار داد. به دلیل اینکه مصاحبهٔ حاضر از نوع مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته بود، مصاحبه گر بعد از هر سؤال، با توجه به بافت موضوعات مطرح‌شده، سؤالات پیگیری را برای بررسی عمیق‌تر مطرح می کرد. برای محفوظ ماندن مشخصات آزمودنی‌ها، از نام‌های مستعار استفاده شد. پس از آنکه پاسخ آزمودنی‌ها در مصاحبه‌ها تکراری شد و به‌اصطلاح به حد اشباع رسید، به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها حاصل از مصاحبه‌ها از روش تحلیل مضمون برای استخراج مقوله‌ها استفاده شد.

در پژوهش حاضر تمام مصاحبه‌ها و تعاملات به دقت ثبت و بارها مرور شدند. نسبت روایی محتوایی برای محاسبه حداقل مقدار قابل قبول بر اساس تعداد متخصصان به منظور مصاحبه بدون ساختار ارزیابی شد. برای محاسبه نسبت روایی محتوایی از ۸ کارشناس آگاه به موضوع استفاده شد و مقدار آمار به‌دست‌آمده در این افراد بیش از ۰/۷۵ بود که با توجه به این تعداد، مطلوب تلقی می‌شود.

شیوهٔ تجزیه و تحلیل داده‌ها

در تحلیل محتوا کدهای مشخصی وجود داشت و بر مبنای آن کدها مصاحبه‌ها را کدگذاری کرده و فراوانی هر یک از کدها مشخص شد و کدها کشف و نامگذاری می‌شوند. نظریهٔ زمینه‌ای برای شکل‌دهی سازه‌هایی به کار می‌رود که در زمینهٔ داده‌ها وجود دارند، نه در دیدگاه ازپیش‌تعیین‌شده محقق. براساس نظر Strauss & Corbin (1990) از شیوهٔ کدگذاری باز استفاده شد، که در آن هر واژه، عبارت یا جمله معنی‌دار به عنوان کدها تعیین می‌شوند. بعد از کدگذاری اولیه، کدهای مشابه (مقوله‌ها) به طور اولیه گروه‌بندی شدند و به آنها نام‌های مفهومی اطلاق شد. در مرحلهٔ دوم (کدگذاری محوری) ارتباط بین مقوله ها و زیرمقوله ها مشخص شد و چارچوب بیشتری به آنها داده شد. به این صورت که فهرست اصلی موضوعات تکرار شده، به شیوه‌های زیر جمع‌بندی و خلاصه شدند: الف) حذف موضوعات دارای اهمیت کمتر و کمتر متداول، ب) ترکیب موضوعات شبیه به هم برای کاهش آنها به تعدادهای قابل کنترل بیشتر. بعد از این مرحله مجدداً متن مصاحبه‌ها مرور شد، تا مشخص گردد که آنها حاوی اطلاعات کافی برای حمایت از هر موضوع تعیین شده یا نشده‌اند. در نتیجه بعضی از موضوعات حذف شدند یا مورد بازبینی قرار گرفتند. مرحلهٔ آخر کدگذاری انتخابی بود. در کدگذاری انتخابی مقوله‌های مختلف با هم یکپارچه شده و پیرامون یک مفهوم توصیفی محوری تلفیق می‌شوند. در نهایت، برای ابطال یافته‌های به‌دست‌آمده مقوله‌ها مورد ارزیابی قرار گرفتند. این فرآیند شامل تلاش برای ابطال نتیجه‌گیری‌های اولیه است تا اینکه مشخص شود، آنها در یافته‌های نهایی نگه داشته شوند یا خیر. این کار برای ارزیابی روایی یافته‌ها انجام می‌شود (Strauss & Corbin, 1990). بعد از کدگذاری و تلاش برای ابطال، یک الگوی مفهومی ارائه شد، که رابطهٔ بین موضوعات عمده در یافته‌ها را نشان می‌داد.

یافته‌ها

در این پژوهش، سه شیوهٔ کدگذاری استفاده شده که شامل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی بود. ابتدا قبل از تحلیل مصاحبه‌ها به ارائهٔ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان در جدول ۱ می‌پردازیم:

جدول ۱ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مادران دارای فرزند مبتلا به اتیسم

کد	سن	سن همسر	تحصیلات	تعداد فرزندان	سن فرزند مبتلا به اتیسم
۱	۴۲	۴۴	کارشناسی ارشد جغرافیا	۱	۴ سال
۲	۳۳	۳۷	دیپلم	۲	۹ سال
۳	۴۳	۴۵	کارشناسی روانشناسی	۲	۶ سال
۴	۳۱	۳۵	دیپلم	۲	۱۰ سال
۵	۳۸	۴۱	دیپلم	۳	۸ سال
۶	۴۵	۴۵	فوق دیپلم	۲	۷ سال
۷	۴۷	۵۰	کارشناسی حقوق	۱	۱۲سال
۸	۴۱	۴۴	کارشناسی معماری	۲	۸ سال
۹	۳۳	۴۶	دیپلم	۲	۵ سال

از یافته‌های حاصل از مطالعهٔ کیفی جهان‌بینی مادران کودکان اتیسم با پذیرش بالا، سه مقولهٔ فرعی و ۱۴ مفهوم استخراج شد که در جدول ۲ نشان داده شده است:

جدول ۲ مفاهیم و مقوله‌های حاصل از ابعاد جهان‌بینی مادران دارای فرزند اتیسم برخوردار از پذیرش بالا

مفهوم	مقولهٔ فرعی	مقولهٔ هسته
فناپذیری دنیا، دنیا محل گذر، تمام نشدن طمع‌ورزی دنیا، وجود رنج در زندگی	دنیای متناهی	جهان‌بینی
پذیرش مرگ، زندگی حقیقی پس از مرگ، فراتر دیدن دنیای پس از مرگ، بازخورد گرفتن از اعمال و رفتار، آمادگی برای مرگ، مرگ به عنوان نیروی شفابخش، مرگ به عنوان آرامش ابدی	زندگی نامتناهی	
ترس از مرگ، نگرانی از آینده، احساس گناه	اضطراب مرگ	

بر اساس نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش، جهان‌بینی مادران دارای کودکان اتیسم با پذیرش بالا، شامل سه مقولهٔ فرعی را نشان می‌داد به همراه ویژگی‌های مطرح شده در بیانات آن‌ها در این مقولهٔ هسته جای گرفته است. این سه مقولهٔ فرعی بود به همراه مفاهیم استخراج شده عبارت‌اند از:

۱. دنیای متناهی

جهان کنونی که در آن زندگی می‌کنیم، رو به زوال و نابودی می‌رود و انتهایی دارد که شکی در آن نیست و در همه ادیان الهی یا غیر الهی مباحثی در این زمینه مطرح شده است با نگاهی به مجموعه آیات قرآن درمی‌یابیم که قرآن زوال و نیستی جهان کنونی را مترادف با نیستی محض آن نمی‌داند بلکه آن را در بخشی از یک فرآیند قرارداده که به مفهومی پایانی برای آن متصور نیست. به این معنا که نیستی و زوال دنیا و جهان مادی کنونی برای تبدیل شدن به جهانی نو با شکل و شمایل و ماهیتی دیگر می‌باشد. تبدیل جهان مادی به جهانی دیگر نیازمند فروپاشی این دنیای مادی است که قرآن از آن به «یوم تبدل الارض غیرالارض والسماوات» تعبیر می‌کند. این مقوله دربردارندهٔ مفاهیمی به عبارت زیر است:

۱-۱) فناپذیری دنیا: اگر انسان درک کند که برنامهٔ مرگ و حیات ذات طبیعت است، جهان مادی روزی از بین خواهد و کل نظام طبیعت در سیری کمالی و به سوی هدفی معین در حرکتند باعث می‌شود زندگی دنیا را کالایی ناچیز دانسته و با پذیرش شرایط موجود، از امکاناتش حداکثر استفاده را کند و باعث کنار آمدن بهتر با سختی‌ها خواهد شد. به

عنوان مثال شرکت‌کنندهٔ شمارهٔ ۲ بیان کرد: «می‌دونی عزیزم به نظرم این دنیا کوچیک‌تر از اونیه که بتونه خواسته‌های انسان رو برآورده کنه، آدم هرچه بزرگ‌تر میشه میفهمه خیلی از چیزای این دنیا زودگذره و اصلاً ارزش دویدن نداره». همچنین شرکت‌کنندهٔ شمارهٔ ۷ بیان نمود: «آدم هرچه بزرگتر می‌شه خواسته‌هاش نسبت به این دنیا کمتر می‌شه، مثلا بچه‌های من تو کودکی تمام دنیاشون خرید وسایل و اسباب‌بازی بود اما وقتی مقایسه می‌کنم، میبینم برای من چقدر چیزای این دنیا و این خواسته‌های مادی می‌تونه پوچ باشه و بی‌ارزش. بیشتر دوست دارم ارتباطمو با خدام قوی کنم تا رسیدن به خواسته‌های خودم». شرکت‌کنندهٔ شمارهٔ ۸ نیز بیان نمود: «این زندگی امتحانه و ابدیت نداره، دنیا یک چیز فانیه».

۱-۲) دنیا محل گذر: دانستن آنکه زندگی دنیا مقدمه‌ای برای زندگی آخرت است و دنیا راهی است که ما را به آخرت می‌رساند، باعث می‌شود که انسان دنیا را محلی موقتی و گذرگاهی برای رسیدن به اهداف اولا و ارزشمند بداند. بنابراین مادران اتیسم با دریافت گذرا بودند دنیا، شرایط سخت فرزندان را بهتر کرد کرده و آن را پلی برای شد و تعالی خود می‌دانند. برای مثال مادر شماره ۱ بیان نمود: «تازگی‌ها بخصوصا از وقتی که تشخیص داده شد بچه‌ام اتیسم داره، با اینکه رنج و دردهام بیشتر شده، اما توکلم به خدا هم بشتر شده، با خودم می‌گم باشد خدا منو دوست داشته که با وجود این بچه بتونم بیشتر بهش نزدیک بشم، آخه شنیدم هرکی خدا بیشتر دوستش داشته باشه، سختی‌های بیشتری بهش می‌ده تا بهش نزدیک‌تر بشه و من اینو تو خودم حس کردم». شرکت‌کنندهٔ شمارهٔ ۷ نیز بیا نمود: «باید خودم رو مثل یک مسافر در دنیا بدونم، همونطور که اجداد ما و قبل از ما رفته‌اند، ما هم می‌رم».

۱-۳) تمام نشدن طمع‌ورزی دنیا: انسان با درک آنکه تمایل سیری ناپذیر به حریص بودن و طمع‌ورزی باعث اقبال بیشتر او به دنیا می‌شود، در می‌یابد که حرص‌ورزی در نهایت باعث دوری از خدا و حس پوچی در او خواهد شد؛ برای نمونه، شرکت‌کنندهٔ شمارهٔ ۱ گفت: «وقتی ما حرص و طمع داریم یعنی خودمون و خدای خودمون رو نشناخته‌ایم، یه جورایی وابستگی بیش از حد به دنیا باعث شده خیلی مهم ببینمنش و خواسته‌هامون نسبت بهش هیچ زمان تموم نشه» و شرکت‌کنندهٔ شمارهٔ ۲ گفت: «بعضی وقت ها حس می‌کنم دنیا خیلی پوچ و بی‌ارزش شده که مردم الکی بهش وابسته‌ان و دارن عمرشون رو تلف می‌کنن، گاهی اوقات فکر می‌کنم اصلا این دنیا ارزشش رو داره که اینقد داریم دنیالش می‌دویم». شرکت‌کنندهٔ شمارهٔ ۷ نیز بیان نمود: «متأسفانه مردم فکر می‌کنند تمام زندگیشان این دنیاست. دنیا سیری ندارد فقط حرص و طمع‌ها بیشتر می‌شود». این دریافت باعث می‌شوند که انسان شرایط خود را بهتر پذیرفته و از طمع‌ورزی افراطی پرهیز کند.

۱-۴) وجود رنج در زندگی: اگر انسان دریابد که سختی‌های زندگی و مشکلات، بخشی از زندگی هستند و خداوند در قرآن فرموده است: «لقد خلقنا الآنسان فی کبد» (بلد، ۴) انسان در رنج و سختی آفریده شده است و همین سختی‌هاست که موجب تربیت و انسان‌سازی می‌شود، می‌تواند تحمل و تاب‌آوری بیشتری در برار مشکلات خود داشته باشد به عنوان نمونه شرکت‌کنندهٔ شمارهٔ ۳ می‌گفت: «کلاً زندگی سخت هست اگر بخواهیم سخت بگیریم سخت‌تر هم می‌شه. من اوایل که تشخیص اتیسم برای بچه‌ام گذاشته شد، احساس کردم همه‌چیزمو باختم، اما الآن که خودمو با یه سری از افراد مقایسه می‌کنم، میبینم، چه بسا رنج‌های یه سری از افراد از منم سخت‌تره، مثلاً حداقل شوهر من درآمدش اونقدری هست که بتونیم از پس خرج و مخارج درمان بچه‌ام بربیایم، اما یه سری همین هم ندارن». شرکت‌کنندهٔ شمارهٔ ۴ نیز می‌گفت: «همه تو زندگیشون سختی دارن، کیه که سختی نداشته باشه؟. به‌نظرم این سختی‌ها یه جاهایی باعث می‌شه من مادر بخته‌تر بشم». همچنین شرکت‌کنندهٔ شمارهٔ ۱ بیان نمود: «از این دنیا خیلی خوشم نمیاد، چون مشکلات زیاد دیدم. در دنیا از صبح تا شب سختی و کار و دوندگیه، لذت و راحتی و خوشی در این دنیا نیست».

۲. زندگی نامتناهی

همیشگی بودن آخرت چیزی است که نمی‌توان آن را با عدد نشان داد و فقط علامت نامتناهی می‌تواند نشانگر آن باشد و به این معناست که عمر آخرت هیچ حد و مرزی ندارد و هیچ وقت تمام نمی‌شود. قرآن کریم در یکی از استدلال‌های

خود، پایداری سرای اخروی و نعیم آن را به طور ویژه، مورد تصریح قرار داده است. «وَ الْاخِرَةُ خَیرٌ وَ أبقی» (سورهٔ اعلی، آیهٔ ۱۷) «در حالی که آخرت بهتر و پایدارتر است». «بقا» مقابل مفهوم «فنا»، به معنای ادامه یافتن، ثابت و پابرجا ماندن است و دلالت بر دوام و خلود دارد. مقولهٔ زندگی نامتناهی در بردارندهٔ مفاهیمی به عبارت زیر است:

۲-۱) پذیرش مرگ: با توجه به مصاحبه‌های صورت‌گرفته، مادران مرگ را حقیقتی غیر قابل انکاری دانسته و به عنوان یک واقعیت قبول داشتند. اگر بخواهیم به صورت معنی‌دار به زندگی فکر کنیم، فکر کردن به مرگ ضروری است. به عنوان نمونه شرکت‌کنندهٔ شمارهٔ ۵ گفت: «مرگ حقه، همان طور که غذا خوردن و به دنیا اومدن حقه. خودمون به دنیا نیومدیم که بدونیم کی از دنیا می‌رویم. دست ما نیست». همچنین شرکت‌کنندهٔ شمارهٔ ۳ بیان نمود: «گاهی وقتا که فکر می‌کنم، میبینم آخرش مرگه، پس بهتره من از همین داشته‌ها و همین مدتی که خدا بهم لطف کرده و زنده‌ام نگه داشته، بتونم نهایت استفاده رو در رابطه با بچه‌ام به‌کار ببرم». همچنین شرکت‌کنندهٔ شمارهٔ ۵ بیان نمود: «مرگ حقیقتیه که وجود داره و نمی‌تونیم منکرش شیم، هم تو قرآن و احادیث اومده و هم در زندگی روزمره آن رو می‌بینیم و قابل انکار نیست».

۲-۲) زندگی حقیقی پس از مرگ: مادران کودکان اتیسم با دریافت آنکه حقیقت و اصل زندگی جایی است که پایان ندارد، زوال نمی‌پذیرد و همیشه ماندگار است توانسته بودند با شرایط دشوار خود در رابطه با فرزندانشان به پذیرش بهتری برسند. به عنوان نمونه شرکت کننده نمونه ۲ گفت: «زندگی اصلی ما دنیای دیگه‌ست اما کسی به فکرش نیستم». همچنین شرکت‌کنندهٔ شمارهٔ ۴ بیان نمود: «وقتی انسان به رابطه‌اش با خدا فکر می‌کنه، بیینه اصل جای دیگست. اینکه آخرش ما می‌میریم، و توی دنیای دیگه خدا رو ملاقات می‌کنیم، می‌تونه بهمون تو این دنیا هم انگیزه بده که سعی کنیم بهترین خودمونو به نمایش بذاریم».

۲-۳) فراتر دیدن دنیای پس از مرگ: مادران دریافته بودند که دنیای پس از مرگ جهانی وسیع و بی پایان و نقطه آغاز آینده است که قابل مقایسه با دنیای حاضر نیست، هر آنچه در دنیای فانی هست و محدودیت دارد؛ اما دنیای پس از مرگ گسترده است، محدودیت ندارد بنابراین سختی‌های این دنیا گذرا و موقتی است و روزی به پایان خواهد رسید. به عنوان مثال شرکت‌کنندهٔ شمارهٔ ۹ بیان نمود: «اون دنیا هم شبیه به همین دنیاست، حتی وقتی میمیریم تازه زندگی‌مون شروش میشه، اینکه من چجور آدمی بودم، باعث میشه توی اون دنیا من نتیجه عملمو به خیر و برکت ببینم یا نه».

۲-۴) مرگ به عنوان آرامش ابدی: انسان با پذیرش آنکه دنیا فناپذیر است، سختی در آن وجود دارد و جای راحتی نیست، مرگ را دریچه‌ای به سوی آرامش ابدی می‌داند که نه از بین رفتنی است و نه با رنج و سختی همراه. بنابراین می‌تواند با دشواری‌های زندگی بهتر کنار بیاید؛ به عنوان نمونه، شرکت‌کنندهٔ شمارهٔ ۵ بیان نمود: «اصلاً از مرگ نمی‌ترسم خیلی خوبه. آرامش ابدیه. آدم از همه چی راحت می‌شه. موقعی که می‌خوابی چقدر راحت میشی. خواب یک نوع مرگ مقطعیه. مرگ هم همین طوره وقتی میمیره از همه دغدغه‌های زندگی راحت میشه».

۲-۵) بازخورد گرفتن از اعمال و رفتار: هر عملی، عکس العملی دارد و در زندگی دنیوی و اخروی هر چه کرده‌ایم، نتیجه‌اش را می‌بینیم. این نگاه باعث پذیرش بهتر کودکان اتیسم شده و مادران می‌کوشند نحوه تعامل و رفتار بهتری با آن‌ها داشته باشند. به عنوان نمونه شرکت‌کنندهٔ شمارهٔ ۵ بیان کرد:«زندگی کاشتن و برداشتن است دیگران می‌کارند ما برداشت می‌کنیم و ما می‌کاریم و بعد از ما برداشت می‌کنند. یک زمانی پدر و مادر ما برای ما زحمت کشیدند حالا ما باید برای بچه‌هایمان زحمت بکشیم». همچنین شرکت‌کنندهٔ شمارهٔ ۶ بیان نمود: «میگن با یه دست میدی از همون دست هم می‌گیری، به کسی محبت کنی خدا چند برابرش بهت محبت میکنه». شرکت‌کنندهٔ شمارهٔ ۴ نیز بیان می‌کند: «دنیا انعکاسی از آخرته، همونطور که آنجا حساب و کتاب می‌شیم در همین دنیا هم حساب کتاب می‌شوم و برای هر کاریمون باید جواب پس بدیم، جرمی مرتکب شیم به زندان می‌ریم و ... هر کاری می‌کنیم مقابله به مثل می‌شه. هر آنچه اینجا انجام داده‌ایم آنجا برداشت می‌کنیم با این تفاوت که آنجا دیگر جای بازگشت و توبه نیست».

۲-۶) آمادگی برای مرگ: انسانی که به وقوع معاد اعتقاد داشته باشد، بداند از اعمال و رفتار او سؤال خواهد شد و در مقابل آن‌ها پاداش و جزا خواهد دید؛ همیشه خود را در حالت آماده باش قرار می‌دهد و با پذیرش شرایطش زندگی کنونی خود را به نحوی انتخاب می‌کند که هر لحظه برای مرگ آمادگی داشته باشد. به عنوان نمونه شرکت‌کنندهٔ شمارهٔ ۳ گفت: «مرگ مثل خواب است همیشه مرگ را به خودم نزدیک می بینم و همیشه آماده‌ام برای مرگ». همچنین شرکت‌کنندهٔ شمارهٔ ۷ بیان نمود: «مرگ یک سفره از این دنیا به اون دنیا. ما در این دنیا فقط مهمونیم، چطور موقت به خانهٔ کسی می‌ریم. حفظ ادب و احترام می‌کنیم و اخلاق و رفتار خودت رو مرتب می‌کنی تا به خانه خودت برگردی، خانه اصلی و واقعی انسان قبرشه، پس باید مهمون خوبی در این دنیا باشیم».

۲-۷) مرگ به عنوان نیروی شفابخش: افراد با اعتقاد بر اینکه مرگ انگیزشی برای ما تأمین می‌کند تا از لحظه کنونی استفاده کنیم و به جای اینکه ترس از مرگ ما را بی‌تحرک کند، مرگ را می‌توان به صورت نیروی مثبتی در نظر بگیریم تا به طور کامل زندگی کنیم؛ منبع نشاطی را برای زندگی فراهم می‌کند که می‌توان شرایط و سختی‌های این دنیا را بهتر بپذیرفت. به عنوان نمونه، شرکت‌کنندهٔ شمارهٔ ۹ بیان نمود: «اعتقاد به مرگ باعث می‌شه طوری زندگی کنیم که خودمونو برای حساب و کتاب آماده کرده باشیم و قبول نداشتن آخرت هم باعث می‌شه، خودمونو به یک خواب خرگوشی بزنیم».

۳. اضطراب مرگ

اضطراب مرگ مشتمل بر افکار، ترس‌ها و هیجانات مرتبط با پایان زندگی است که در آن فرد دلهره، نگرانی و یا ترس مرتبط با مرگ و مردن را تجربه می‌کند اگرچه مرگ یک واقعیت است اما گاهی اندیشیدن به مرگ همراه با ترس بوده و تجربهٔ ناخوشایندی برای انسان محسوب می‌شود. سه مفهوم در این مقوله جای دارند که عبارتند از:

۳-۱) ترس از مرگ: در مادران کودکان اتیسم همانند دیگر افراد ترس از مرگ شایع است و بیشتر افراد از مرگ به درجات مختلف می‌ترسند. این ترس تا حدودی می‌تواند نیروی محرکه‌ای باشد که محتاط‌تر باشیم و از فرصت‌ها زندگی به‌نحو احسن استفاده کنیم. به عنوان نمونه شرکت‌کنندهٔ شمارهٔ ۱ بیان نمود: «یکی از ترس‌هام مثل همه مادرای دیگه اینکه بعد از مرگم چی سر بچه‌ام میاد. اما وقتی که به این فکر می‌کنم که خدای مهربون همینطور که به من توان داده که بتونم برای بچه‌ام یک مادر خوب باشم، مطمعنم اون رو رها نمی‌کنه و حتی بعد از مرگ من هم هواشو داره». همچنین شرکت‌کنندهٔ شمارهٔ ۵ بیان نمود: «هر انسانی از مرگ می‌ترسه، ترس از مرگ عادیه، وقتی امام علی می‌گن من تنم می‌ترسد از پل صراط یک چیزی که ما به آن اعتقاد داریم پل صراطه یا آنکه پیامبر به حضرت فاطمه میگن فکر نکن چون دختر من هستی در آخرت در امانی مواظب خودت باش، پس مرگ هم حق است هم ترس دارد. ائمه و پیامبران علائمی از مرگ گفته‌اند که واقعاً باید از آن ترسید و مواظب خود و بچه‌هایمان باشیم».

۳-۲) نگرانی از آینده: در این مفهوم علت ترس و اضطراب از مرگ در مادران، آینده کسانی است که به نوعی به آن‌ها وابسته و نیازمند بودند. مادران نگران بودند که در آینده و بعد از مرگ آن‌ها برای بازماندگانش چه اتفاقی می‌افتد و آیا قادر به زندگی و رفع نیازهایشان خواهند بود؟ همچنین این ترس مادران ناشی از آزار دیدن و آسیب دیدن بازماندگان به ویژه فرزند مبتلا به اتیسم خود، بعد از مرگشان بود. به عنوان نمونه شرکت‌کنندهٔ شمارهٔ ۴ گفت: «از بعد از مرگم وحشت دارم که بعد از مرگم، دخترم چی میشه و چه کار میکنه وگرنه از مرگ نمی‌ترسم»، شرکت‌کنندهٔ شمارهٔ ۶ گفت: «از مرگ نمی‌ترسم فقط می‌ترسم بچه‌هام تنها باشند. فقط تنهایی بچه‌هام نگرانم می‌کند. اگر دخترم اینطوری نبود خیلی آماده بودم برای مرگ حتی اگر الآن مرگم می‌رسید آماده بودم». همچنین شرکت‌کنندهٔ شمارهٔ ۳ بیان نمود: «بیشتر به خاطر آینده فرزندم نگرانم که تو جامعه ما این طور بچه ها هنوز پذیرفته نشدن و خدمات آن چنانی براشون نداریم. خیلی جاها به یک چشم دیگه بهشون نگاه میکنن، ولی بیشتر از لحاظ امنیت آینده که بزرگ بشه و بتونه خدمات بگیره یا نه و چطور در جامعه پذیرفته بشه یا نشه این ها نگرانم میکنه الآن که خودم در کنارش هستم نگرانی ندارم چون تا سر حد وجودم هر چیزی که باشه و هر کاری که بتونم

براش انجام میدم ولی از بعدها می ترسم وقتی که بزرگ میشه اگر من نباشم پدرش نباشد از اون موقع نگران میشم». همچنین شرکت‌کنندهٔ شمارهٔ یک بیان نمود: «تنها چیزی که مرا از مرگ نگران می‌کند فرزندم است. همیشه فکر می‌کنم که اگر من بمیرم بچه‌ام چه کار می‌کند؟ همیشه از آن ترس دارم. به خدا می‌گم اگر من مردم بچه‌ام ۵ دقیقه بعد از من بمیرد هر چند که دوست دارم عمرش طولانی شود اما می‌گم بعد از من دست کی می‌افتد؟ چون اصلاً نمی‌تواند از خودش مراقبت کند».

۳-۳) احساس گناه: مادران بیان کردند دلیل اصلی ترس از مرگ، اعمال و رفتاری است که فرد تا کنون انجام داده. ترس آن‌ها به خاطر مجازات‌هایی است که ممکن است به خاطر اعمال نادرستی که در دنیا انجام داده‌اند، باشد. فرد بر این باور است که راه رستگاری، مستقیم و باریک است و بیم آن می‌رود که هر گونه انحراف یا اشتباه ممکن است باعث مجازات آن‌ها شود. به عنوان نمونه شرکت‌کنندهٔ شمارهٔ ۶ گفت: «تلاشم اینکه طوری زندگی کنم که حق دیگران رو نخورده باشم و برای مرگ آماده باشم. از وقتی که رنج داشتن یک فرزند با اختلال اتیسم رو تجربه کردم، نگام به دنیا حس می‌کنم عوض شده و با اطرافیانم مهربون‌تر شدم و اونا هم تلاش می‌کنن تو مشکلاتم بشتر کمکم کنن» و شرکت‌کنندهٔ شمارهٔ ۹ نیز بیان نمود: «من از مرگ می‌ترسم ولی واقعاً آدم راحت می‌شه، ترس من از اعمالیه که مرتکب شدم و باید جواب بدم، ولی از واقعیت اون دنیا ترس ندارم. از گناه و دین کسی بر گردنم باشه می‌ترسم و به خدا می‌گم گناهی که کردم و دینی که بر گردنم هست رو ببخش».

نتیجه‌گیری

این پژوهش به مطالعهٔ کیفی جهان‌بینی مادران کودکان اتیسم با پذیرش بالا پرداخت. با استفاده از برداشت‌های پژوهشگران از متن مصاحبه‌ها و نتایج تحلیل داده‌ها، می‌توان بیان کرد که عوامل بسیاری زیادی در تعیین جهان بینی مادران دارای فرزند اتیسم با پذیرش بالا تأثیر داشتند. این عوامل ارتباط گسترده و به‌هم پیوسته‌ای داشتند، به‌طوری که می‌توان گفت که بیشتر عوامل بر یکدیگر اثر گذار بودند. در واقع، سلسه تصورات و درک انسان از عالم، از جهان و همچنین تفکر در رابطهٔ جهان و انسان مشتمل بر جهان‌بینی است. درواقع هر مکتبی یک بینش خاصی، یک دیدگاه خاصی، یک برداشت خاصی، یک دریافت خاصی از جهان دارد که این برداشت خاص از جهان و این چگونگی دیدن عالم را می‌توان جهان‌بینی نامید (زارع، ۱۴۰۳).

بینش و دیدگاه مادران نسبت به زندگی دنیوی و زندگی اخروی در مقولهٔ جهان‌بینی آورده شده است. دنیا و آخرت، ابتدا و انتهای زندگی انسان را مشخص می‌کنند و شناخت این دو مقوله و ارتباط آن دو با یکدیگر در جهت‌گیری و سعادت انسان بسیار مهم و تأثیرگذار است. جهت‌یابی افعال اختیاری انسان در گرو شناخت و درک صحیح او از زندگی این دو سرا است که این شناخت از ابعاد گوناگونی قابل بررسی است. در نگاه جهان‌بینی قرآن، خالق تمام کائنات خداوند است؛ اوست که برای تمام جهان، مبدا و مقصد محسوب می‌شود (رعد، ۱۶). قرآن بر هدفمندی جهان هستی تأکید می‌کند به‌گونه‌ای که رشد و کمال در جهان به سوی هدفی متعالی رهنمون است (روم، ۶۲) (فلاح، ۱۴۰۰). با توجه به آن چه مادران دارای فرزند اتیسم بیان کرده‌اند، ابعاد و ویژگی‌های هر دو سرای دنیای متناهی و زندگی نامتناهی و اضطراب مرگ استخراج گردیده است.

یکی از مقوله‌های مورد توجه در جهان بینی آن‌ها، دنیای متناهی بود. همان طور که یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد این مقوله شامل مفاهیمی از جمله فناپذیری دنیا، دنیا محل گذر، تمام نشدن طمع ورزی دنیا و وجود رنج در زندگی است. این نتایج با پژوهش آهنگری و حسینی (۱۳۹۹) هم‌خوان است. در این پژوهش بیان شده است که روش و منش حیات دنیوی انسان، تأثیر مستقیم بر سعادت و شقاوت زندگی اخروی او دارد و بیان می‌دارد انسان‌ها در حیات پس مرگ، بدون استثنا بر سر سفره اعمال و کردار دنیوی خود می‌نشینند و روزی می‌خورند. بنابراین کسانی که عاقلانه و از روی آگاهی راه حق پیموده و در دنیا زندگی مؤمنانه در سایه احکام قرآن کریم داشته‌اند بدون تردید زندگی اخروی آنان سرشار از رحمت و نعمات الهی است و

به عکس، کسانی که آگاهانه و به اختیار خود زندگی ظالمانه تحت امر شیاطین انس و جن داشته‌اند، زندگی اخروی آنان نیز با رنج و سختی بلا وصف همراه خواهد بود، مگر کسانی که در شرایطی خاص به اذن الهی مورد شفاعت شافعین قرار بگیرند. همچنین در پژوهش دیگری طالقانی (۱۴۰۲) نشان داد که جامعه سکولار مدرن این تفکر را شایع کرده است که ادیان و حجت‌های اللهی کاری به زندگی دنیوی بشر نداشته‌اند و در جهان‌بینی دنیوی فقط به موضوعات اخروی از قبیل خداشناسی، بهشت و جهنم دعوت کرده‌اند. این تلقی سبب شده‌است که عموم مردم در برنامه‌های دنیوی، به دنبال آموزه‌های دینی نباشند و خود را مستغنا از آن‌بدانند. این شبهه که دین برای مسائل دنیوی ناقص است در پژوهش‌ها به دنبال نوآوری و طرح‌هایی بپردازند که نشان داده شده‌است جهان بینی دینی به نیازهای زیستی، ایمنی و اجتماعی توجه شایانی دارد و توجه به فناپذیری زندگی دنیوی و رنج‌های ناشی از بیماری، باعث شده‌است، که انسان برای حیات خود از احادیث و دستورالعمل‌هایی جهت صحت خود در این دنیا استفاده کند.

در اینباره می‌توان گفت مفهوم پذیرش نیز در دیدگاه اکت به ایجاد یک زندگی غنی و پر معنا در حالی که فرد رنج ناگزیر موجود در حیات دنیا را می‌پذیرد اشاره دارد. درواقع پذیرش یعنی تمایل به اینکه آنچه شخص تجربه می‌کند، به گفته هیز تجربه‌ای کامل و بدون دفاع باشد (Pakenham et al. 2023). درک حضور آنکه ما در یک جهان متناهی و مادی زندگی می‌کنیم، می‌تواند پذیرش و توان ما را برای رویارویی با درد و پریشانی روانشناختی اجتناب‌ناپذیر از رنج دنیا، بیشتر کند و فرد درک می‌کند بدون تمایل به تجربه این درد، دستابی به چیزهای ارزشمند در این مسیر، میسر نخواهد شد (Bai et al. 2020). پژوهش‌ها ثابت کرده‌است که وقتی احساس رنجی در شما وجود دارد و شما افکار مربوط به آن احساس را سرکوب می‌کنید، به‌جای آنکه شرایط را بپذیرید، همان احساس موجب تحریک و فراخوانی آن افکار می‌شود. همچنین راهکارهای سرکوب‌کننده نیز آن فکر و آن احساس را تحریک و فراخوانی می‌کند و رنج با حالات شدیدتری بروز خواهد کرد. بنابراین هدف خودشناسی و خداشناسی در دیدگاه‌های عرفانی این است که به افراد آموخته شود بر طبق آیات قرآن این دنیا فی‌نفسه مادی و متناهی است و انسان در رنج آفریده شده‌است و با پذیرش این شرایط، فرد می‌تواند حضور ملموس خود را در این بستر درک کرده تا به وسیله آن، رنج‌های درون آدمی تسکین یابد (طالقانی، ۱۴۰۲). باید به نقص و کاستی خود آگاه شد و آن را پذیرفت. هرچند پذیرش نقص دردناک خواهد بود. دردهای روانی و رنج‌های انسان اگرچه پنهان است و در ناخودآگاه او رسوخ دارد و آنجا حضور دائمی دارد، اما می‌تواند زمینه رشد و تکامل انسان را فراهم کند. پذیرش ارزش‌های وجودی انسان نظیر آزادی، مرگ، رنج و غیره که در جهان‌بینی او واقع است، می‌تواند توان مقابله فرد را با رنج‌هایش افزایش دهد (عزیزپور و همکاران، ۱۴۰۳). زندگی مانند سیلی پرسرعت می‌گذرد، چه پر از نعمت و شادی و چه پر از نقصان و غم باشد. بنابراین هم جهان‌بینی توحیدی و هم اکت با تأکید بر اینکه زندگی همین لحظات اکنون است و آنچه اکنون انجام می‌دهی، آینده تورا خواهد ساخت، بر اهمیت پذیرش شرایط و رشد از دل همین شرایط تأکید می‌کند.

اختلاف بارز بین عالم دنیا و عالم آخرت محدودیت عمر دنیا و جاودانگی آخرت است. متون اسلامی در مواردی متعدد فنای دنیا را مورد تصریح قرار داده‌اند. تعابیر و تشابهاتی که از دنیا ارائه گردیده، به خوبی ناپایداری و زوال آن را به تصویر کشیده‌اند. تعابیر بسیار زیادی در این زمینه در احادیث و روایات و کتب دینی آمده است که همگی بیانگر فناپذیری زندگی دنیوی است و دلیلی بر ناپایداری و زوال آن است. دنیا گذرگاه است و هر گذرگاه به قرارگاهی فرجام می‌پذیرد. جهان طبیعت همواره در حال کوشش و پویایی و حرکت از قوّه به فعل است (غفاری، ۱۴۰۰). گذرایی و انتقال زندگی از معنای آن نمی‌کاهد، بلکه در ما احساس وظیفه و مسئولیت را بیدار می‌کند. شیوه برخورد انسان با گذرایی امکانات، و اینکه چگونه انتخابی به عمل می‌آورد. انسان پیوسته در میان موج عظیمی از توانایی‌ها و امکانات نهفتهٔ خود در حال گزینش است که کدامین آنها می‌بایست شکوفا و بارور گردد و کدامین محکوم به نابودی و فراموشی است (فیاضی، ۱۳۹۸). بنابراین مادران کودکان اتیسم با درک آنکه دنیا مکانی فناپذیر است، تلاش می‌کنند با پذیرش شرایط

موجود، از امکاناتشان حداکثر استفاده را کرده و زندگی را با نشاط بیشر پیش ببرند و کمال اخروی و سرای جاوید را در نظر داشته باشند که این خود باعث می‌شود با سختی‌های داشتن فرزند اتیسم بهتر کنار بیایند. خواهد شد (مختاری و غفاری، ۱۴۰۲). همچنین در تعابیر قرآن آمده است که انسان موجودی طمع ورز و حرص است. دنیا در دید اسلام، مقدمه و گذرگاه آخرت است. اسلام دنیا را نفی نمی‌کند؛ تمتعات دنیوی را منفور نمی‌شمارد؛ انسان را با همهٔ استعدادها و غرایز در صحنهٔ زندگی، فعال می‌طلبد؛ اما همه این‌ها باید در خدمت تعالی و رفعت روح و بهجت معنوی انسانی قرار گیرد تا زندگی در همین دنیا هم شیرین شود (غفاری، ۱۴۰۰). گذرایی بودن دنیا باعث می‌شود مادران کودکان اتیسم، پاداش‌های سرای اخرت را دارای ارزش بیشتری نسبت به دنیا دانسته و طمع‌ورزی در دنیا اجتناب کرده و سختی‌های دنیا را برای رسیدن به آسایش آخرت تحمل کنند (جوادی آملی، ۱۴۰۰). همچنین رنج، بخش غیرقابل ریشه کن شدن زندگی است، گرچه به شکل سرنوشت و مرگ باشد. زندگی بشر بدون رنج و مرگ کامل نخواهد شد (فرانکل، ۱۳۹۶). حتی بهترین زندگی‌های انسانی نیز به ناچار درگیر دردهای معناداری هستند (هریس، ۱۳۹۵). درک آنکه تمام انسان‌ها به نحوی درگیر رنج خواهند شد باعث می‌شود مادران دارای فرزند اتیسم بتوانند رنج‌های خود را قابل تحمل‌تر بدانند و به افزایش پذیرش آن‌ها منجر شود.

مقولهٔ مورد توجه دیگر در جهان‌بینی مادران دارای کودک اتیسم با پذیرش بالا، که از مصاحبه‌ها استخراج شد؛ زندگی نامتناهی می باشد که شامل مفاهیم پذیرش مرگ، زندگی حقیقی پس از مرگ، فراتر دید دنیای پس از مرگ، بازخورد گرفتن از اعمال و رفتار، آمادگی برای مرگ، مرگ به عنوان نیروی شفا بخش و مرگ به عنوان آرامش ابدی است. این مقوله با مفهوم معادشناسی در پژوهش متولی (۱۳۹۸) همسو است. یکی از مفاهیم بسیار مهم به‌دست‌آمده در این پژوهش، مفهوم باور به دنیای پس از مرگ است که بیشتر در قالب مذهب و باورهای دینی مطرح می‌شود. از آنجایی که انسان‌ها فطرتاً میل به جاودانگی دارند، وجود جهانی پس از مرگ موجب می گردد هر فردی هدفمندانه‌تر به زندگی ادامه دهد و با امید به دیدن نتیجهٔ رفتار و اعمال خود در جهانی دیگر به زندگی ادامه دهد. در پژوهشی دیگر ذاکری (۱۳۹۹) نشان داد که اعتقاد به جهان اخروی به دلیل آن است که متفکران مسلمان انسان مرکب را از نفس مجرد و بدن می‌دانند که لازمه پذیرش تجرد این است که نفس مجرد با مرگ از بدن جدا می‌شود و به زندگی حقیقی پس از مرگ پیوند می‌خورد. ادامه زندگی انسان پس از مرگ وابسته به خداوند است و اوست که با قدرت خود همه یا برخی از انسان‌ها را زنده نگه می‌دارد یا پس از فاصله‌ای زمانی، بار دیگر زنده می‌کند. این نتایج با نتایج پژوهش قربانی (۱۴۰۰) نیز همسو است. او در پژوهش خود نشان می‌دهد که آموزه آخرت‌باوری، ضمن تضمین متعلق واقعی حس جاودانگی طلبی آدمی در جهان دیگر، زندگی دنیوی او را معنادار و هرگونه یاس و ناامیدی را از او دور ساخته است و به رنج‌ها، سختی‌ها و خوشی‌های او معنا داده و شوق پرواز به سوی عالم جاویدان، پذیرش مرگ و زندگی حقیقی پس از مرگ را در او شعله‌ور می‌سازد. همچنین در پژوهشی که سلیمی بجستانی و وجدانی همت (۱۳۹۵) به بررسی فواید مرگ از دیدگاه وجودی پرداختند نشان داده شد: ۱. ارتقای هستی انسان به مرتبه‌ای بالاتر، ۲. کسب کمال و معنی در زندگی، ۳. تفکر مرگ، اصالت زندگی است، ۴. باعث زندگی در اکنون می‌شود، ۵. استفاده حداکثری از لحاظ زندگی می‌شود، ۶. باعث نپرداختن به مشغولیت‌های زندگی می‌شود. همچنین با توجه به محدودیت‌های دنیا و ویژگی‌های زندگی اخروی، مرگ می‌تواند آرامشی باشد برای انسان‌ها که این امر به چگونگی زندگی کردن و نحوهٔ استفاده از فرصت محدود دنیا بستگی دارد.

در تبیین این نتایج می‌توان گفت دریافت مادران دارای فرزند اتیسم از آن‌که جاودانگی سرای اخروی، حقیقتی است و می‌تواند تحمل رنج‌های مرتبط با فرزندانشان را پذیرفتنی‌تر کند. قریب هشتاد آیهٔ قرآن، دلالت بر ابدیت و جاودانگی جهان آخرت دارد و پایداری سرای اخروی را به طور ویژه، مورد تصریح قرار داده است؛ در یکی از آیات مربوطه، واژه «أبقی» در همنشینی با واژهٔ «خَیر» به عنوان صفتی برای آخرت بیان شده است: (وَ الْآخِرَةُ خَیرٌ وَ أَبْقی)؛ در حالی که آخرت بهتر و پایدارتر است (مختاری و غفاری، ۱۴۰۲). از جمله مفاهیم استخراج شده دیگر از این مقوله، مفهوم پذیرش مرگ است که اشاره دارد

یکی مرگ از مقتضیات وجودی انسان است و حقیقتی است که در محدوده جان آدمی رخ نشان می‌دهد و فرار از آن به بن‌بست می‌رسد. مادران فرزند اتیسم با درک آنکه انسان موجودی مرگ آگاه است؛ یعنی از پیش می‌داند که زندگی کنونی وی پایدار نیست و بقا ندارد و معنا شدن زندگی برای او جز از رهگذر معناداری مرگ ممکن نیست، در میابد که این موجود آرزومند بقا جز از مسیر اخروی به یکپارچگی وحدت و آرامش دست نمی یابد. آدمی دریافته است که مرگ و زندگی از اختیار او بیرون است (زاکری، ۱۳۹۹). همچنین توجه به زندگی حقیقی پس از مرگ این امکان را برای ما فراهم می‌کند که این دنیا وسیله است که باید از آن عبور کرد. دنیایی نیست که در این زیست کرد؛ یک راهی هست، راه است برای رسیدن به یک مقصد عالی(رودبندی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶). بنابراین در جهان بینی مادران کودکان اتیسم حیات آخرت، زنده است. اینجا زندگی نیست، مردگی است اینجا. حیات آخرت حیات است: «همانا زندگی آخرت زندگانی حقیقی است» (سوره عنکبوت، آیۀ ۶۴). حیات حقیقی مربوط به عالم آخرت است. در آنجاست که انسان به صورت ابدی زندگی خواهد کرد (ملاصدرا ، ۱۹۸۷؛ به نقل از رجبی، ۱۳۹۸) و این نوع نگرش سختی‌های دنیا را برای او آسودنی تر می‌کند. همچنین مادران اتیسم می‌دانند که هر عملی در این دنیا عکس‌العملی دارد. از این رو با بازخورد گرفتن از اعمال و رفتار خود می‌تواند برای زندگی نامتناهی آماده شود و رفتار و اعمل خود را با کودک اتیسم خود مبتنی بر محبت، عشق و پذیرش پایه‌ریزی کند (قربانی، ۱۴۰۰). هر انسانی با یادآوری مرگ و زندگی پس از آن، قبل از هر گونه تصمیم‌گیری، به بررسی فعل و عملی که قصد انجام آن را دارد پرداخته و تلاش می کند منفعت و ضرر عمل خود را با توجه به آخرت بسنجد و در عینی که مواظب عملکرد خود می‌باشد، بر این باور استوار است که زندگی با مرگ خاتمه پیدا نمی کند بلکه وارد مرحلۀ جدیدی می‌شود که جاودانگی را با خود به همراه دارد (متولی، ۱۳۹۸). تمام این مفاهیم باعث آمادگی مادران کودکان اتیسم برای مرگ خواهد شد. او در می‌یابد که دنیا مانند رحمی است که انسان را آماده می‌کند برای دنیای وسیع‌تر، مرگ دورۀ انتقال از این دنیا به آن دنیاست (طاهرزاده، ۱۳۸۷).

با توجه به اینکه زندگی اصلی و ماندگار انسان‌ها در زندگی اخروی است لذا این دنیا فرصتی است برای کسب آمادگی و مهیا شدن برای زندگی حقیقی که در انتظار ما آدمیان است. در نهایت مرگ را به عنوان نیروی شفابخش و آرامش ابدی در نظر خواهد گرفت که ماه عسل رنج‌ها و سختی‌هایی است که در دنیا تحمل کرده است. در نگاه آدمی مرگ دو کاربرد عمده دارد: اول آنکه مرگ از چنان اهمیتی برخوردار است که اگر درست با آن مواجه شویم، می‌تواند چشم‌انداز زندگی فرد را دگرگون کند و او را به غوطه‌ور شدن در زندگیِ اصیل رهنمون کند. دوم اینکه ترس از مرگ، سرچشمۀ اصلی اضطراب است و این اضطراب در شکل دادن به شخصیت مؤثر است. چگونگی نگرش به مرگ نقش تعیین‌کننده‌ای در حل اضطراب‌ها دارد. نگرش به مرگ به معنای واکنش‌های هیجانی، شناختی و رفتاری به مرگ تعریف شده‌است (Zhu et al. 2021). نگرش به مرگ با توجه به آنکه ما دنیایی پس از مرگ متصور هستیم یا نه، می‌تواند مثبت یا منفی باشد. اجتناب از مرگ نگرش‌های منفی هستند و نگرش‌های مثبت شامل باورهای کنار آمدن با مرگ، اعتقاد به جهان پس از مرگ و پذیرش مرگ می‌شود (طالبی و همکاران، ۱۴۰۴). نگرش به مرگ و دنیای پس از مرگ، امیدواری را در فرد افزایش داده و ظرفیتی است که اعمال و افکار فرد را توانمند کرده و می‌تواند پذیرش در برابر مشکلات را برای فرد فراهم کند.

در نهایت مقولۀ مورد توجه در جهان‌بینی مادران دارای کودک اتیسم با پذیرش بالا، اضطراب مرگ است که به عنوان یک ترس غیرعادی و بزرگ از مرگ همراه با احساساتی از وحشت از مرگ یا دلهره هنگام فکر به فرآیند مردن یا چیزهایی که پس از مرگ رخ می‌دهند، تعریف می کنند (مزینانی، ۱۴۰۲). مقولۀ اضطراب مرگ شامل مفاهیم ترس از مرگ، نگرانی از آینده و احساس گناه می‌باشد. این نتایج با پژوهش غنوی و شجاعی (۱۴۰۱) همسو است. در این پژوهش نشان داده شد که اضطراب مرگ با ده نشانۀ ناراحتی و غم، گریه و فریاد، فرار از مرگ، نفرت از مرگ، بی‌قراری دائمی، زیاد فرک کردن به مرگ، خواب‌های آشفته با محتوای مرگ، عدم پذیرش مرگ، احساس نگرانی و شرم و احساس حسرت ازدست دادن دنیا و آینده ارتباط دارد. در تبیین این نتایج می‌توان گفت ترس و اضطراب در افراد یا از مواجه شدن با مسلّمات هستی و غایی نشأت

می‌گیرد و یا به دلیل دغدغه‌های شخصیِ خود فرد است. یالوم ترس و اضطراب را در اکثر موارد برخاسته از رویارویی فرد با مسلّمات هستی دانسته و معتقد است بسیاری از ناراحتی های روحی به علت ضعف و ناتوانی افراد در عدم رویارویی موفقیت آمیز و مورد رضایت با ترس و اضطراب‌های وجودی است (یالوم، ۲۰۱۶؛ به نقل از شایانفر و قلعه، ۱۳۹۸). تجربه اضطراب مرگ تجربه ای طبیعی و نرمال است و حتی داشتن این اضطراب در حد تعادل در زندگی هر فرد لازم است و سبب به فعالیت واداشتن شخص در یکسری مسیرهای مثبت می‌گردد (حاجی پوران بنام و همکاران، ۱۴۰۲). هر چند که اضطراب مرگ به عنوان ترس غیرعادی از مردن خود و دیگران تعریف می‌شود اما این ترس در مادران به صورت غیر عادی و نابهنجار نمایان نشد و باعث اختلال در امور روزمره آن‌ها نگردید، اما به دلیل نوعی ترس از مرگ که آن‌ها همراه داشتند این مقوله از مقولهٔ معادشناسی جدا شده است. چرا که مادران چنانچه مرگ را پذیرفته بودند و دید مثبت و خوشایندی نسبت به آن داشتند اما در کنار آن یک احساس ترس را نیز به همراه داشتند که به سه عامل آن ترس از وقایعی که بعد از مرگ اتفاق می‌افتند و خداوند آن‌ها را وعده داده است مانند وجود پل صراط و عبور از آن، ترس دوم ناشی از اعمالی که فرد در دنیا انجام داده است و ممکن است تبعات ناخوشایندی برای او در بعد از مرگ به دنبال داشته باشد و سومین عامل ترس که اکثر قریب به تمام مادران به آن اشاره کردند نگرانی از آیندهٔ فرزندان به خصوص فرزند بیمار آن‌ها است. همچنین چنانچه مادر در روابط خود احساس کند نسبت به فرزند خود کوتاهی کرده است، ممکن است احساس گناه را تجربه کند که این خود به نوبه خود با اضطراب مرگ ارتباط دارد.

در رابطه با اضطراب مرگ در جهان‌بینی مادران کودکان اتیسم و تأثیر آن بر کاهش پذیرش می‌توان گفت که این مادران با احساس سرشکستگی، آسیب دیده و دور از امید به آینده می‌نگرند که می‌تواند پذیرش شرایط را برای آن‌ها دشوار کند. در عوض رویکرد اکت با مفهوم پذیرش شرایط، همیشه نوعی از توانمندسازی را که زندگی مبتنی بر ارزش‌ها، غنا و پرمعنا است و آن را در دسترس همه قرار می‌دهد تعریف می‌کند (Arch et al. 2017). پذیرش درد را جزئی از زندگی در نظر گرفته و مرگ را پلی می‌داند که می‌تواند به زندگی به عنوان یک ارزش معنا دهد. این انتخاب‌های ما است که به‌طور فزاینده در برگیرنده زمان حال و گام رو به جلو در جهت ایجاد یک زندگی ارزشمند است. استفاده از تمرینات تجربه‌ای و استعاره‌ها می‌تواند به مراجع کمک کند تا مرگ را به عنوان یک رویداد اجتناب‌ناپذیر برای همه انسان‌ها ببینند و به مراجع کمک کند تا اهدافی را که به‌طور هدفمند و معنادار در زندگی‌شان بر می‌گزینند را به‌طور کلامی (ارزش‌ها) بیان کنند و به تغییرات رفتاری پایدار مبتنی بر ارزش‌ها (علم متعهدانه) متعهد شوند. بنابراین مادری که به پذیرش اضطراب مرگ نپردازد و نتواند مرگ را به عنوان یک رویداد اجتناب‌ناپذیر به عنوان یک ارزش درنظر بگیرد، می‌تواند در او ایجاد احساس گناه کرده و با افزایش ترس از مرگ، پذیرش او را در قبال مرگ کاهش دهد (Li et al. 2021).

با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که جهان‌بینی هر فرد تأثیراتی بر نحوه ادراک آن‌ها از سختی‌ها و پذیرش مشکلات زندگی دارد و نگرش صحیح در مادران دارای فرزند اتیسم موجب پذیرش فرزند از سوی آن‌ها می‌شود. سه مقولهٔ فرعی جهان بینی این افراد که از مصاحبه‌ها استخراج شد شامل زندگی متناهی، زندگی نامتناهی و اضطراب مرگ بود. تمامی مقوله‌های مطرح شده و مفاهیم هر مقوله با یکدیگر ارتباط متقابل و تنگاتنگی دارند و این رابطه‌ها مانند یک چرخه تکرار ناپذیر در کل زندگی مادران همواره وجود دارد با باعث فراهمی شدن تحمل در برابر سختی‌ها و پذیرش فرزندانشان می‌شود. در نهایت پیشنهاد می‌شود. بنابراین یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند دلالت بر اهمیت جهان‌بینی در پذیرش کودکان اتیسم از سوی مادران باشد و ارائه و آموزش مداخلات درمانی مبتنی بر جهان بینی در مراکز را مهم دانست.

با توجه به اینکه جهان‌بینی از مباحث پیچیده کمتر بررسی شده پژوهشی به شمار می‌آید، در فرایند مصاحبه ممکن بود از درک و بیان آن عاجز بودن و پاسخگویی برخی مادران با سختی و مشکل همراه بود. به علت محدودیت در نمونه‌گیری، متغیرهایی همچون میزان حمایت همسر، شدت اتیسم کودک و میزان گرایش مذهبی مادران کنترل نشد. هریک از این عوامل نوع جهان‌بینی فرد را به زندگی دنیوی و اخروی تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین برای سهولت در انجام مصاحبه‌ها و اطمینان

از درک سؤالات، از مادرانی که سطح تحصیلات کمتر از دیپلم داشتند، نمونه گیری نشد. نمونه پژوهش کشور محدود به جنوب کشور و شهر آبادان بود که تعمیم یافته‌های پژوهش را با محدودیت مواجه می‌کند. همچنین یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند منجر به تدوین یک مدل مفهومی جدید برای ساخت ابزارهای کمی نظیر مقیاس جهان‌بینی مادران کودکان اتیسم شده و مؤلفه‌های استخراج‌شده در پژوهش از دیدگاه جهان‌بینی مادران را مورد سنجش قرار دهد.

با توجه به این نتایج پیشنهاد می‌شود برنامه مداخله‌ای مبتنی بر جهان‌بینی در مراکز درمانی و آموزش مربوط به کودکان اتیسم برای مادرانی ارائه شود که شرایط فرزند بیمار خود را نپذیرفته‌اند. همچنین پیشنهاد می‌شود این پژوهش روی مادرانی انجام شود که فرزندی با سایر اختلالات عصبی‌ـرشدی دارند. با توجه به اینکه نوع جهان‌بینی افراد تحت تأثیر فرهنگ قرار دارد، پیشنهاد می‌شود این پژوهش در فرهنگ‌های دیگر نیز اجرا و نتایج آن مقایسه شود. در نهایت پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی شدت اتیسم کودک، میزان حمایت همسر و شدت گرایش مذهبی مادران نیز کنترل شود تا بتوان به درک بهتری از نوع جهان‌بینی مادران دارای فرزند اتیسم رسید.

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشتهٔ روانشناسی مصوب دانشگاه اردکان است. اصول اخلاق در پژوهش به شمارهٔ IR.YAZD.REC.1399.019 در کمیتهٔ اخلاق در پژوهش دانشگاه یزد تصویب شده است.

منابع

احمدیان، مجتبی و طهرانچی، عطا (۱۴۰۴). واکاوی تطبیقی رویکرد درمانی پذیرش و تعهد (اکت) با تعالیم روانشناختی امام رضا، *پژوهشنامهٔ امام رضا و علوم روز*، ۱، ۱ـ۳۲.

اشتراس، انسلم، و کوربن، جولیت (۱۳۹۶). *مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریهٔ زمینه‌ای*. ترجمهٔ ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.

افکاری، محمدعلی (۱۳۹۹). نبرد ایدئولوژیک، کنفرانس بین المللی فقه، *حقوق و پژوهش‌های دینی*، دوره ۱.

آهنگری، بهروز و حسینی، سیده فاطمه (۱۳۹۹). تأثیر ظرفیت‌های حیات دنیوی بر زندگی اخروی از منظر قرآن، *فصلنامهٔ مطالعات قرآنی*، ۱۱(۴۳)، ۳۵-۵۶.

بازرگان، عباس. (۱۳۹۸). *مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته: رویکردهای متداول در علوم رفتاری*، چاپ دهم، تهران: نشر دیدار.

حاجی پوران بنام، ژیلا؛ فهیمی تبار، ستار و تولایی، عباس (۱۴۰۲). بررسی تطبیقی روش‌های درمانی اضطراب مرگ در قرآن کریم و روانشناسی، *مجلهٔ قرآن و طب*، ۸(۳)، ۱۲-۲۴.

رودبندی‌زاده، مهدی و فیاضی، غلامرضا (۱۳۹۶). دلایل و شواهد قرآنی بر تجرد عقلی روح در قرآن، *معرفت کلامی*، ۸(۱)، ۹۵-۱۱۰.

رجبی، ابوذر (۱۳۹۸). نفی پوچی از منظر هستی‌شناختی در اندیشه ملاصدرا، *دوفصلنامهٔ علمی پژوهش‌های هستی‌شناختی*، ۸(۱۵)، ۴۳-۶۵.

زارع، روزبه (۱۴۰۳). علم و الهیات، طبیعی‌گرایی روش‌شناختی و جهان‌بینی توحیدی، فصلنامهٔ علمی‌ـپژهشی ذهن، ۲۵ (۹۷)، ۵-۳۷.

زاکری، مهدی (۱۳۹۹). بررسی سازگاری نظریه تجرد نفس با آموزه‌های قرآنی مربوط به زندگی اخروی، *فصلنامهٔ نقد و نظر*، ۲۵ (۹۹)، ۳۰-۵۳.

سید قطب (۱۳۶۹). *ویژگی‌های ایدئولوژی اسلامی*، ترجمهٔ سید محمد خامنه‌ای، چاپ اول، کیهان.

سلیمی بجستانی، حسین؛ وجدانی همت، مهدی (۱۳۹۵). بررسی تطبیقی مفهوم مرگ در روانشناسی وجودی و دیدگاه قرانی علامه طباطبایی. *پژوهشنامهٔ معارف قرآنی*، ۶(۲۲)، ۷-۳۶.

شایانفر، شهناز؛ قلعه، الهه. (۱۳۹۸). مؤلفه‌های مابعدالطبیعی معنای زندگی به روایت اروین یالوم، دوفصلنامهٔ علمی *پژوهش‌های هستی‌شناختی*، ۸ (۱۵)، ۶۷-۹۳.

طالبی، غلامرضا؛ باقریان سرارودی، رضا؛ رضایی جمالویی، حسن؛ عریضی، حمیدرضا؛ باقریان سرارودی، پگاه (۱۴۰۴). اثربخشی مداخله شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی بر نگرش به مرگ و امیدواری زنان مبتلا به سرطان سینه: یک کارآزمایی بالینی تصادفی شده، *روانشناسی بالینی و شخصیت*، ۳۳(۱)، ۱-۱۰.

طالقانی، حسن و بابازاده، علی (۱۴۰۲). نقش حجج الهی در پیشرفت و بهبود زندگی دنیوی بشر. فصلنامهٔ *تحقیقات کلامی*، ۱۱ (۴۱)، ۱۱۵-۱۴۲.

طاهرزاده، اصغر. (۱۳۸۷). *معاد، بازگشت به جدی‌ترین زندگی*. تهران: لب المیزان.

علم‌الهدی، جمیله (۱۳۹۹). ضرورت هستی‌شناختی رنج، *فصلنامهٔ انتقادی در حوزهٔ علم دینی و علوم انسانی اسلامی*، ۲۰ (۸۸)، ۴۳-۷۸.

عزیزپور، امیرابوالفضل، آزموده، معصومه، آیرملو، هرمز و حسینی نسب، سید داود (۱۴۰۳). مقایسهٔ اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد و درمان متمرکز بر شفقت بر اضطراب مرگ و ترس از سقوط در بیماران مبتلا به مولتیپل اسکلروزیس: یک مطالعهٔ نیمه‌تجربی. *مجلهٔ دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان*، ۲۳ (۸) ، ۶۷۷-۶۹۰

غفاری، ابولحسن (۱۴۰۰). *علم النفس فلسفی علامه طباطبائی*، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

غنویی، فاطمه و شجاعی، محمدصادق (۱۴۰۱). مدل مفهومی اضطراب مرگ بر اساس متون دینی، *فصلنامهٔ مطالعات اسلام و روانشناسی*، *۱۶* (۳۱)، ۳۷-۵۹.

فرانکل، ویکتور (۱۳۹۶). *انسان در جستجوی معنا*. ترجمهٔ عباس مهین میلانی. تهران: درسا.

فلاح، محمود (۱۴۰۰). واکاوی معناشناسی شناختی منشأ قدرت سیاسی در پرتو جهان‌بینی قرآنی، فصلنامهٔ علمی *رهیافت‌های سیاسی و بین المللی*، *۱۳* (۶۸)، ۳۷-۵۴.

فیاضی، غلامرضا (۱۳۹۸). *درسنامهٔ علم النفس فلسفی*. تهران: سمت.

قربانی، قدرت‌الله (۱۴۰۰). رابطهٔ جاودانگی و آخرت باوری با معنای زندگی، مجلهٔ *پژوهش‌های مابعدالطبیعی*، ۲ (۴)، ۱۰۶-۱۳۳.

متولی‌میدانشاه، زهرا (۱۳۹۸). *بررسی کیفی نقش هستی‌شناسی بر امیدواری مادران کودکان سرطانی: ارائهٔ مدل مداخله‌ای*، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، دانشگاه اردکان.

محدثی، جواد (۱۳۸۸). علم، معیار ایمان، *فرهنگ کوثر*، *۷۸*، ۸-۱۷.

مختاری، حمید و غفاری، ابوالحسن (۱۴۰۲). جایگاه هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی فطرت و ارتباط آن با عقل نظری و عملی، فصلنامهٔ *تاریخ فلسفهٔ اسلامی*، ۲ (۶)، ۷۱-۹۴.

مزینانی، میترا (۱۴۰۲). بررسی اضطراب مرگ و کیفیت خواب در زنان سالمند، *پیشرفت‌های نوین در روانشناسی*، علوم‌تربیتی و اموزش و پرورش، *۶* (۶۷)، ۱۳۰-۱۴۳.

هریس، راس (۱۳۹۵). *الفبای درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد: ACT به زبان ساده*، ترجمهٔ انوشه امین زاده. تهران: انتشارات ارجمند.

Arch, J. J., & Mitchell, J. L. (2017). An Acceptance and Commitment Therapy (ACT) group intervention for cancer survivors experiencing anxiety at re-entry. *Psycho-Oncology*, *26*(9), 352–357.

Bond, F. W., Hayes, S. C., Baer, R. A., Carpenter, K. M., Guenole, N., Orcutt, H. K., Waltz, T., & Zettle, R. D. (2011). Preliminary psychometric properties of the Acceptance and Action Questionnaire–II: A revised measure of psychological inflexibility and experiential avoidance. *Behavior Therapy*, *42*, 676–688.

Bai, Z., Luo, S., Zhang, L., Wu, S., & Chi, I. (2020). Acceptance and commitment therapy (ACT) to reduce depression: A systematic review and meta-analysis. *Journal of Affective Disorders*, *260*, 728–737.

Chung, S., & Woo Son, J. (2020). Visual perception in autism spectrum disorder: A review of neuroimaging studies. *Journal of the Korean Academy of Child and Adolescent Psychiatry*, *31*(3), 105–120.

Caletti, E., Massimo, C., Magliocca, S., Moltrasio, C., Brambilla, P., & Delvecchio, G. (2022). The role of acceptance and commitment therapy in the treatment of social anxiety: An updated scoping review. *Journal of Affective Disorders*, *310*, 174–182.

Graaf, D. L., Trompetter, H. R., Smeets, T., & Mols, F. (2021). Online Acceptance and Commitment Therapy (ACT) interventions for chronic pain: A systematic literature review. *Internet Interventions*, *26*, e100465.

Hassen, N. B., Molins, F., Garrote-Petisco, D., & Serrano, M. A. (2022). Emotional regulation deficits in autism spectrum disorder: The role of alexithymia and interception. *Elsevier Ltd*.

Holden, R. R., Campos, R. C., & Lambert, C. E. (2020). Psychological pain and self-harming behaviours in an adulthood community sample: An exploratory study. *The European Journal of Psychiatry*, *34*(3), 173–176.

Hayes, S. C., Luoma, J. B., Bond, F. W., Masuda, A., & Lillis, J. (2006). Acceptance and commitment therapy: Model, processes and outcomes. *Behaviour Research and Therapy*, *44*(1), 1–25.

Jassim, N., Baron-Cohen, S., & Suckling, J. (2021). Meta-analytic evidence of differential prefrontal and early sensory cortex activity during non-social sensory perception in autism. *Neuroscience & Biobehavioral Reviews*, *127*, 146–157.

Javadi Amoli, A. (2021). *Epistemology in the Qur'an* [in Persian]. Esra Publications.

Kourti, M. (2021). A critical realist approach on autism: Ontological and epistemological implications for knowledge production in autism research. *Frontiers in Psychology*, *12*, 1–15.

Li, H., Cho, L. W., Xiaohuan, J., Chen, J., YuChong, Y., & Yang, B. (2021). Effects of Acceptance and Commitment Therapy on health-related outcomes for patients with advanced cancer: A systematic review. *International Journal of Nursing Studies*, *115*(2), 415–421.

Okay, K., Varis, P. U., Miral, S., Ekinci, B., Yaras, T., Karakulah, G., & Oktay, Y. (2021). Alternative splicing and gene co-expression network-based analysis of dizygotic twins with autism-spectrum disorder and their parents. *Journal of Genomics*, *113*(4), 2561–2571.

Prior, S., & Renaud, K. (2020). Age-appropriate password "best practice" ontologies for early educators and parents. *International Journal of Child-Computer Interaction*, *32*(7), 1–9.

Park, S. E., Grados, M., Wachtel, L., & Kaji, S. (2021). Use of electroconvulsive therapy in autism. *Psychiatric Clinics of North America*, *44*(1), 23–33.

Pakenham, K. I., & Landi, G. (2023). A pilot randomised control trial of an online acceptance and commitment therapy (ACT) resilience training program for people with multiple sclerosis. *Multiple Sclerosis*, *1*(1), 27–50.

Rickardsson, J., Gentili, C., Holmström, L., Zetterqvist, V., Andersson, E., Persson, J., Lekander, M., Ljótsson, B., & Wicksell, R. K. (2021). Internet-delivered acceptance and commitment therapy as microlearning for chronic pain: A randomized controlled trial with 1-year follow-up. *European Journal of Pain*, *25*(5), 1012–1030.

Sato, A., Murakami, H. K., Tanaka, M., Katoh, Y., & Ikeda, K. (2022). Influence of prenatal drug exposure, maternal inflammation, and parental aging on the development of autism spectrum disorder. *Frontiers in Psychiatry*, *13*, e821455.

Strauss, A. L., & Corbin, J. (1990). *Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques*. Sage.

Wilms, S. (2016). *Dealing with existential themes in acceptance and commitment therapy: A qualitative interview study*. Master's thesis, University of Twente.

Xiao, Y., He, L., Chang, W., Zhang, S., Wang, R., Chen, X., et al. (2020). Self-harm behaviors, suicidal ideation, and associated factors among rural left-behind children in west China. *Annals of Epidemiology*, *42*, 42–49.

Xu, H., O'Brien, W. H., & Chen, Y. (2020). Chinese international student stress and coping: A pilot study of acceptance and commitment therapy. *Journal of Contextual Behavioral Science*, *15*, 135–141.

Zhu, X. Y., Li, Z., Chen, C., Feng, R. L., Cheng, B. R., Liu, R. Y., Wang, R. T., Xu, L., Wang, Y., Tao, X., & Zhao, P. (2021). Physical therapies for psychosomatic symptoms and quality of life induced by aromatase inhibitors in breast cancer patients: A systematic review and meta-analysis. *Frontiers in Oncology*, *11*, e745280.

Zhao, C., Lai, L., Zhang, L., Cai, Z., Ren, Z., Shi, C., Luo, W., & Yan, Y. (2021). The effects of acceptance and commitment therapy on the psychological and physical outcomes among cancer patients: A meta-analysis with trial sequential analysis. *Journal of Psychosomatic Research*, *140*, e110304.